

ماجرای سرقت مسلحانه عروس و داماد بانیشان آبی!

آن ها فقط برای سرقت لب تاپ مستعمل شلیک کردند



سید خلیل سجاد پور - عروس و داماد جوانی که با خرید سلاح جنگی از غرب کشور، قصد داشتند سرقت های مسلحانه را در مشهد آغاز کنند، پس از اولین دستبرد مسلحانه با نیشان آبی، در حالی به چنگ قانون افتادند که به خاطر سرقت لب تاپ مستعمل، شلیک کردند.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، هنوز ساعتی به نیمه شب بیست و دوم مرداد باقی نمانده بود که زنگ تلفن همراه زن جوان به صدا درآمد. او یک دستگاه لب تاپ مستعمل را در سایت واسطه گری دیوار به فروش گذاشته بودو افرادی برای اطلاع از مشخصات کلی لب تاپ با شماره تلفن زیر آگهی تماس می گرفتند.

این بار پسر جوانی از آن سوی خط گفت: «من و همسرم الان در خارج از شهر هستیم و قصد خرید لب تاپ را داریم اما حدود ۲۰ دقیقه دیگر به شهر می رسیم و اگر نشانی منزل را بدهید برای مشاهده لب تاپ می آییم!» زن جوان که در خانه تنها بود از خریدار آن خواست کمی دیرتر بیایند! چرا که همسرش در منزل نبودو او قصد داشت با شوهر خواهرش تماس بگیرد و از او بخواهد هنگام فروش لب تاپ در منزل او حضور داشته باشد. دقایقی بعد شوهر خواهر زن جوان به مجتمع مسکونی باجناقش رفت و آن ها منتظر خریداری ماندند که قرار بود لب تاپ مستعمل را به مبلغ ۳۰ میلیون تومان بخرد. هنوز ساعتی از این ماجرا نگذشته بود که خودروی نیشان آبی در خیابان هفت تیر ۹ توقف کرد. زوج جوانی از خودرو پیاده شدند و به سمت یکی از مجتمع های مسکونی رفتند. تازه داماد نگاهی به اطراف انداخت و سپس کلید زنگ آیفون تصویری را افشرد. زن جوان هم که منتظر خریدار لب تاپ بود با مشاهده تصویر زوج

جوان بلافاصله در را باز کرد و این گونه صحنه وحشتناکی رقم خورد.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است «شایان» اسلحه کلت کمری را زیر پیراهنش جابه جا کرده به همراه تازه عروس وارد منزل زن جوان شدند. لحظاتی بعد فروشنده لب تاپ را از کارتن بیرون آورد و به همراه متعلقات آن به زوج جوان نشان داد. تازه عروس نگاهی به نامزدش انداخت و سپس از فروشنده خواست تا مبلغی را به آن ها تخفیف بدهد. آن ها که با نقشه ای پلید وارد منزل زن جوان شده بودند، تلاش می کردند هنگام چانه زنی برای تخفیف، موقعیت ها و اوضاع را بسنجند تا زمان اجرای نقشه دچار مشکل نشوند. حدود ۱۵ دقیقه بعد، دختر ۱۹ ساله در حالی که وانمود می کرد از خرید لب تاپ رضایت دارد، از زن جوان خواست تا لب تاپ را داخل کارتن بسته بندی کند و متعلقات آن را نیز درون آن قرار دهد.

وقتی فروشنده کارتن حاوی لب تاپ را به دست تازه عروس داد، اوناگهان کارتن را بر داشت و از خانه فرار کرد. در این هنگام داماد ۲۴ ساله نیز اسلحه کلت جنگی را بیرون کشید و زن جوان را به همراه شوهر خواهرش تهدید کرد که اگر تکان بخورند یا به دنبال آن ها بروند، جان شان را از دست خواهند داد.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، زن جوان که از شدت ترس، فقط حیرت زده به اسلحه می نگریست و جرئت فریاد زدن را هم نداشت، در جای خود میخکوب شد و بی حرکت ایستاد.

در این لحظه بود که مهاجم مسلح نیزی در رنگ

سکوت شبانگاهی را شکست و مرد جوان را از حرکت باز داشت. تازه داماد مسلح برای فرار از محل و جلوگیری از تعقیب دیگران، گلوله ای شلیک کرد و سپس به همراه نامزدش سوار نیشان آبی شد و پدال گاز را افشرد. با وجود این صحنه ترسناک، مرد جوان موفق شد چند شماره از پلاک نیشان آبی را به خاطر بسپارد. به گزارش روزنامه خراسان، دقایقی بعد خبر سرقت مسلحانه و شلیک شبانگاهی دزدان مسلح، در بیسیم های پلیس پیچید و گروه ورزیده ای از کارآگاهان دایره مبارزه با سرقت های مسلحانه پلیس آگاهی خراسان رضوی با فرماندهی مستقیم سرهنگ مهدی سلطانیان (رئیس اداره جنایی آگاهی) در حالی عازم بولوار هفت تیر شدند که سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) دستورات ویژه ای را برای پیگیری این حادثه هولناک صادر کرده بود.

با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، کارآگاهان بلافاصله رصدهای اطلاعاتی را با چند شماره پلاکی آغاز کردند که مرد جوان در اختیار آن ها گذاشت اما بررسی هاشان داد که زوج جوان با استفاده از شگردی خاص، شماره های پلاک را تغییر داده اند و عددهایی که مرد جوان به خاطر سپرده بود، جعلی است.

بر اساس این گزارش، بازبینی شبانه دوربین های مدار بسته و ترفیکی نیز در دستور کار قرار گرفت و کارآگاهان تا صبح روز بعد به رد زنی های اطلاعاتی ادامه دادند. آن ها چند ساعت بعد به بررسی تخصصی ماجر او تجزیه و تحلیل های کارشناسی در حضور رئیس پلیس آگاهی



خراسان رضوی پرداختند و بدین ترتیب گروه ویژه ای از کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ وحید حمیدفر (رئیس دایره مبارزه با آدم ربایی و سرقت های مسلحانه) وارد عملیات مستقیم در یک شاخه اطلاعاتی شدند. آن ها پس از گذشت حدود ۲۴ ساعت از این ماجرای وحشتناک، بالاخره با به کارگیری فناوری های



عکس ها اختصاصی روزنامه خراسان

مسلحانه در مشهد گفت: مدتی قبل یک دستگاه وانت نیشان به طور اقساطی خریدم تا با آن کار کنم و هزینه های زندگی ام تامین شود اما کار نبود و من هم نمی توانستم ماهانه مبلغ ۵ میلیون تومان اقساط خودرو را بپردازم. این بود که تصمیم گرفتم از طریق سرقت مسلحانه به پول برسم.

جوان متهم به سرقت مسلحانه ادامه داد: موضوع را با نامزدم در میان گذاشتم و سپس با جست وجود در صفحات اجتماعی اینستاگرام به یکی از فروشندگان سلاح در غرب کشور دست یافتیم و با و برای خرید اسلحه وارد گفت و گو شدیم اما فروشنده مدعی بود که فقط با پول نقد اسلحه می فروشد. به ناچار به همراه نامزدم به غرب کشور رفتیم و دو قبضه سلاح کلت وینچستر را به همراه مهماتش به مبلغ ۱۰ میلیون تومان خریدیم و به مشهد بازگشتیم.

بعد هم وارد سایت دیوار شدیم تا طعمه ای برای سرقت پیدا کنیم که مبلغ ۳۰ میلیون تومانی یک دستگاه لب تاپ فروشی توجهم را جلب کرد و تصمیم به سرقت گرفتم. این بود که نقشه دستبرد مسلحانه را طرح کردم و از نامزدم خواستم مرا همراهی کند تا هنگام معامله کسی به مامشکو کشود اما این اولین سرقت مسلحانه ای بود که انجام دادیم و خیلی زود هم دستگیر شدیم. اگرچه بعد از انجام سرقت پشیمان شدیم ولی دیگر پشیمانی سودی نداشت...

بنابر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، بررسی های تخصصی کارآگاهان برای کشف سرقت های احتمالی دیگر این زوج توسط سرگرد پهلوان (افسر پرونده) و با دستورات محرمانه قضایی ادامه دارد.

خسارت میلیاردي نتیجه اعتماد بی جادر فضای مجازی

کرمانی - عامل کلاهبرداری ۱۲ میلیارد ریالی از زوج کرمانی از طریق فضای مجازی شناسایی شد و تحت تعقیب قرار گرفت. رئیس پلیس فتای کرمان اظهار کرد: یک زوج کرمانی به پلیس فتا مراجعه و اعلام کردند توسط یک وکیل مهاجرتی مورد کلاهبرداری سایبری در فضای مجازی قرار گرفتند. پس از طرح شکایت، رسیدگی به موضوع بلافاصله در دستور کار کارشناسان این پلیس قرار گرفت. سرهنگ محمدرضا رضایی افزود: با اقدامات تحقیقاتی پلیس مشخص شد شاکیان که قصد خروج از کشور را داشته اند، با فردی در فضای مجازی که خود را وکیل مهاجرتی معرفی کرده بود، آشنا می شوند و با وعده فراهم کردن اقدامات سفر و پس از آن کسب و کار و خرید منزل در کشور مقصد، مبلغ ۱۲ میلیارد ریال را طی چند مرحله به حساب او واریز می کنند و پس از آن شخص وکیل ارتباط با موکلین خود را قطع می کند. وی بیان کرد: از آن جا که دامنه جرم این متهم وسیع ارزیابی شد، با اقدامات فنی و تحقیقات خاص پلیسی متهم در یکی از استان های مرکزی شناسایی و پس از تشکیل پرونده به دستگاه قضایی معرفی شد. این مسئول انتظامی با توجه به پیچیدگی ها و محدودیت های برخی کشورها از لحاظ پذیرش مهاجر گفت: گرفتن اقامت کشورهای دیگر و زندگی یا تحصیل در یک محیط جدید با قوانین و شرایط متفاوت، کار آسانی نیست و افرادی که قصد دارند مهاجرت قانونی داشته باشند و بدون ایجاد مشکل از کشور خود خارج شوند، باید از طریق رسمی پیگیری امور مهاجرت خود باشند و فریب تبلیغات فضای مجازی را نخورند.

کرمانی - عامل کلاهبرداری ۱۲ میلیارد ریالی از زوج کرمانی از طریق فضای مجازی شناسایی شد و تحت تعقیب قرار گرفت. رئیس پلیس فتای کرمان اظهار کرد: یک زوج کرمانی به پلیس فتا مراجعه و اعلام کردند توسط یک وکیل مهاجرتی مورد کلاهبرداری سایبری در فضای مجازی قرار گرفتند. پس از طرح شکایت، رسیدگی به موضوع بلافاصله در دستور کار کارشناسان این پلیس قرار گرفت. سرهنگ محمدرضا رضایی افزود: با اقدامات تحقیقاتی پلیس مشخص شد شاکیان که قصد خروج از کشور را داشته اند، با فردی در فضای مجازی که خود را وکیل مهاجرتی معرفی کرده بود، آشنا می شوند و با وعده فراهم کردن اقدامات سفر و پس از آن کسب و کار و خرید منزل در کشور مقصد، مبلغ ۱۲ میلیارد ریال را طی چند مرحله به حساب او واریز می کنند و پس از آن شخص وکیل ارتباط با موکلین خود را قطع می کند. وی بیان کرد: از آن جا که دامنه جرم این متهم وسیع ارزیابی شد، با اقدامات فنی و تحقیقات خاص پلیسی متهم در یکی از استان های مرکزی شناسایی و پس از تشکیل پرونده به دستگاه قضایی معرفی شد. این مسئول انتظامی با توجه به پیچیدگی ها و محدودیت های برخی کشورها از لحاظ پذیرش مهاجر گفت: گرفتن اقامت کشورهای دیگر و زندگی یا تحصیل در یک محیط جدید با قوانین و شرایط متفاوت، کار آسانی نیست و افرادی که قصد دارند مهاجرت قانونی داشته باشند و بدون ایجاد مشکل از کشور خود خارج شوند، باید از طریق رسمی پیگیری امور مهاجرت خود باشند و فریب تبلیغات فضای مجازی را نخورند.

شهادت مامور پلیس در درگیری با سوداگران مرگ



ایمنی، قصد متوقف کردن خودروی حامل مواد مخدر را داشتند که قاچاقچیان مسلح به سمت نیروهای انتظامی تیر اندازی کردند که منجر به مجروح شدن استوار یکم اسماعیل جلالی صدر از ناحیه گردن شد. این مقام ارشد پلیس استان تصریح کرد: با توجه به شدت جراحات، اقدامات درمانی موثر واقع نشد و این مامور فداکار پلیس به در جرح فیع شهادت نایل آمد. این گزارش حاکی است پیکر پاک و مطهر این شهید روز سه شنبه با حضور جانشین فرمانده انتظامی استان کرمان و مسئولان ارشد شرق کرمان از میدان انقلاب تا میدان ولایت شهرستان فهرج تشییع و برای خاک سپاری به زادگاهش روستای محمدآباد تنگین کویر منتقل شد. شایان ذکر است شهید اسماعیل جلالی صدر مجردو ۲۲ ساله بود.

توکلی - در درگیری نیروهای پلیس با سوداگران مرگ در شهرستان رودبار جنوب، استوار یکم «اسماعیل جلالی صدر» به در جرح فیع شهادت نایل آمد. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی استان کرمان در تشریح این خبر بیان کرد: دوشنبه شب بیست و چهارم مرداد، نیروهای گشت پایگاه عملیاتی شهید فرزانه مستقر در روستای پنگ شهرستان رودبار جنوب (مرکز استان کرمان و سیستان و بلوچستان) هنگام پایش و رصد خودروهای عبوری در حوزه استحفاظی به یک دستگاه خودروی تویوتا سفید رنگ با پلاک مخدوش حامل قاچاقچیان مسلح که قصد خارج شدن از روستا به سمت رودخانه چاه علیشاه را داشتند، مشکوک شدند و دستور ایست صادر کردند. سردار عبدالرضا نظری ادامه داد: ماموران با اعلام هشدار و رعایت اصول

در امتداد تاریکی

زنی در مخممه از دواج پنهانی!

او با حيله گری وارد زندگی من شده بود و خاطر این که جا و مکانی برای زندگی اش نداشت، به خانه من آمد و بعد از آن که همه اموال مرا گرفت مرا از خانه بیرون کرد و... به گزارش روزنامه خراسان، زن ۳۵ ساله با بیان این که پس از فراز و فرودهای زیاد در زندگی دوباره به منزل پدرم بازگشتم، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: پدرم به دلیل بیماری اعصاب و روان حال مناسبی نداشت و رفتارهایش بسیار پر خاشگرانه بود، به طوری که هیچ کدام از ماهفت خواهر و برادر جرئت حرف زدن با او را نداشتیم. در این شرایط اوضاع زندگی ما بسیار آشفته بود تا این که «شاهین» به خواستگاری ام آمد. مادر او دوست و همسایه خاله ام بود و با یکدیگر معاشرت داشتند اما من هیچ علاقه ای به شاهین نداشتیم و یک بار بیشتر او را ندیده بودم. با وجود این در ۲۰ سالگی به خواستگاری او پاسخ مثبت دادم و پای سفره عقد نشستیم چرا که فقط می خواستم با این ا دواج از اوضاع آشفته خانه پدری ام فرار کنم. شاهین ۱۵ سال از من بزرگ تر بود و به همین دلیل افکارمان با هم تفاوت زیادی داشت به گونه ای که او همه رفتارهای مرا بچه گانه می دانست و با خواسته های من مخالفت می کرد. این گونه بود که مشاخره های لفظی و بگو مگوهای خانوادگی ما از همان روزهای اول زندگی مشترک در حالی آغاز شد که فهمیدم شاهین به بیماری های قند (دیابت) و کلیه مبتلاست و به صورت دنیالیز در مان می شود اگر چه بیماری های او از یک سو و سرکوفت ها و سرزنش های خانواده اش از سوی دیگر آزار می داد اما تنها حسن زندگی ما این بود که شاهین در یکی از شرکت های بزرگ مسافرتی و حمل و نقل دولتی کار می کرد و درآمد خوبی داشت. دو سال بعد از شروع زندگی مشترک پسرم به دنیا آمد اما هنوز به ۳۰ سالگی نرسیده بودم که شاهین به خاطر بیماری کلیوی از دنیا رفت و من زنی بیوه شدم. دیگر نمی توانستم به تنهایی زندگی کنم به همین دلیل من زنی را که شوهرم به نام من سندنده بود، به اجاره واگذار کردم و با همان حقوق دولتی که حالا به من اختصاص یافته بود، به خانه پدرم بازگشتم اما این بار سخت گیری ها بیشتر شد چرا که پدرم مردی متعصب بود و اجازه نمی داد من به تنهایی بیرون بروم یا کاری برای خودم دست و پا کنم چون معتقد بود من زنی بیوه هستم و اگر کسی مرا در بیرون از خانه ببیند، ابروی خانوادگی من می رود چرا که فکر می کنند من دنبال شوهر می گردم...

خلاصه در این شرایط سخت وقتی برای انجام امور اداری مربوط به قیمومت پسرم به دادگاه رفتم و آمد می کردم، روزی با بهمن آشنا شدم. او هم برای طلاق همسرش به دادگاه و پاسگاه می آمد. «بهمن» مدعی بود در یک سازمان دولتی مشغول کار است اما اکنون همسرش تمام داری های او را از قبیل خانه، خودرو، باغ و ویلا و حقوقش را به خاطر «مهریه» توقیف کرده است و با وجود این که دیگر به هیچ وجه قصد ندارد به زندگی مشترک با همسرش ادامه بدهد و حضانت تنها دخترش را نیز به همسرش واگذار کرده است. خلاصه با همین آشنایی، ارتباط های تلفنی ما با یکدیگر ادامه داشت تا این که روزی بهمن از من خواست به خانه خودم نقل مکان کنم که همسرم بر این خریده بود. من هم به خواسته او عمل کردم و مدتی بعد پنهانی به عقد موقت بهمن درآمدم ولی بهمن گاهی چند روز در خانه ای ماند و سر کار نمی رفت. او مدعی بود کارش ماموریتی است و هر روز مان که با و ماموریت بدهند باید به ماموریت برود. به همین دلیل گاهی نیز چند روز به خانه نمی آمدم و من همه دروغ هایش را باور می کردم. چند ماه بعدو در حالی که دخترم را باردار شده بودم پدرم متوجه ا دواج پنهانی ام شدم و مرا به شدت کتک زد. بهمن هم وقتی این ماجرا را فهمید ارتباط مرا با خانواده ام قطع کرد. او پیام های تهدیدآمیز پدرم را به من نشان می داد که هر دو نفر ما را تهدید به قتل کرده بود. در همین حال بهمن با سوء استفاده از این شرایط

خانه ام را به نام خودش سند زد و با پول هایی که از زمان همسر اولم اندوخته بودم برای خودش خودروی خارجی خرید اما از آن روز به بعد رفتار شا ناگهان تغییر کرد و داماد با هر بهانه ای مرا زیر مشت و لگدمی گرفت و همین می کرد. من هم به خاطر ترس از پدرم این وضعیت را تحمل می کردم و حرفی نمی زدم. از سوی دیگر نیز بهمن مرا ترساننده بود چرا که ادعا می کرد از دواج ما به خاطر آن که به طور رسمی ثبت نشده است اگر من دست از اخطا کنم باید روانه زندان شوم در حالی که یک برگ از سند عقد موقت در دست من بود اما باز هم از این موضوع ترس داشتم. در همین روزها ناگهان همسر بهمن با من تماس گرفت و ادعا کرد شوهرش مرا فریب داده است و آن ها از یکدیگر جدا شده اند. او گفت: به خاطر این که بهمن را از خانه جدا بیرون کرده ام و جا و مکانی نداشته به سراغ توآمده است تا از این آوارگی نجات یابد و...

وقتی موضوع را به بهمن گفتم او مرا به شدت کتک زد و از خانه خودم بیرون انداخت که حالا صاحب آن بود. من هم پنج روز جلوی خانه نشستم تا این که یکی از آشناها مرا دید و ماجرا را به پدرم اطلاع داد که پدرم مرا به خانه اش برد...

گزارش خراسان حاکی است بررسی های قضایی و کارشناسی در این پرونده با صدور دستوری از سوی سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) ادامه دارد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی